

رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متاهل

دکتر محمد خدایاری فرد*

روح‌الله شهابی**

سعید اکبری زردخانه***

چکیده

افزایش میزان طلاق در جامعه کنونی ایران، ضرورت بررسی عوامل موثر بر سازگاری و رضایت‌مندی زناشویی را آشکار می‌سازد. یکی از این عوامل نگرش مذهبی است که می‌تواند روابط، تصمیم‌گیری، تعهد و ابعاد فرزند پروری زوجین را متاثر سازد. از این رو، هدف از مقاله حاضر، بررسی رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متاهل دانشگاه تهران است. گروه نمونه این پژوهش شامل ۱۵۶ دانشجوی متاهل دانشگاه تهران بوده است که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش مقیاس نگرش مذهبی خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۵) و مقیاس سازگاری زناشویی اسپنیر (۱۹۷۶) بود. آزمون ضرایب همبستگی نشان داد که بین نگرش مذهبی و رضایت‌مندی زناشویی رابطه مثبت و معنا دار وجود دارد. از بین چهار خرده مقیاس سازگاری زناشویی، نگرش مذهبی بیشترین رابطه را با رضایت دو نفری نشان داد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، خانواده درمانگرها می‌توانند نقش باورهای مذهبی را هم در بروز و هم در حل اختلافات زناشویی، به عنوان عاملی مهم در نظر بگیرند. در پایان نیز همسوئی و عدم همسوئی یافته‌ها مورد بحث واقع شده است.

کلید واژه: نگرش مذهبی، رضایت زناشویی، دانشجویان

* دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

*** کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی‌ترین و از لحاظ گستردگی، جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که تشکیل خانواده یکی از اساسی‌ترین و طبیعی‌ترین نیازهای انسان محسوب می‌شود. اولین گام برای ارضای این نیاز اساسی و طبیعی، ازدواج است. اما به رغم خوشایند بودن پیوند ازدواج، داده‌های آماری حکایت از آن دارد که رضایت زوجین به آسانی قابل دسترسی نیست. در نتیجه قوی‌ترین پیوند انسانی یعنی ازدواج در مستحکم‌ترین قرارگاه آن یعنی سامانه خانواده در معرض خطر جدی قرار دارد؛ افزایش میزان طلاق در جوامع مختلف و نیز کشور ما (گزارش سازمان ثبت احوال، ۱۳۸۳)، مویده این مطلب است. از این رو ضروری است عوامل موثر بر رضایت‌مندی زناشویی مورد توجه قرار گیرد. با شناسایی این عوامل می‌توان میزان ازدواج‌های با خطر بالا را کاهش داد و بر رضایت و شادکامی ازدواج‌های موجود افزود و از این طریق از پیامدهای ناگوار نابسامانی‌های خانوادگی جلوگیری نمود.

رضایت زناشویی یکی از مهمترین تعیین‌کننده‌های عملکرد سالم نهاد خانواده می‌باشد (گریف، ۲۰۰۰). الیس (۱۹۸۹، ص ۵۵) رضایت‌مندی زناشویی را «احساس عینی خشنودی، رضایت، و لذت زن و شوهر از تمامی روابط خود» تعریف می‌نماید. عوامل متعددی، رضایت‌مندی زناشویی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد که از آن جمله می‌توان به رضایت از خلق و خوی همسر (بلوم و مهرابیان، ۱۹۹۹) اعتماد، وفاداری و عشق (روزبلاط و همکاران، ۱۹۹۹) و درآمد و اشتغال همسر (ویجینتیمالا، کوماری و پاندا، ۲۰۰۴) اشاره کرد.

از آنجایی که دو نهاد مذهب و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تاکید قرار می‌دهند، و برای تقویت اجتماعی شدن^۱ به هم وابسته هستند، پژوهشگران رابطه نزدیک بین آن دو را پیش‌بینی می‌کنند. این جهت‌گیری منجر به بیان عباراتی از این قبیل گردید که مذهب می‌تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد (کال و هیتون، ۱۹۹۷). نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی موثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزش‌ها است که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متاثر سازند (هانلر و گنچوز، ۲۰۰۵). از سوی دیگر نگرش‌های افراد خانواده در مورد مذهب، استمرار و انتقال ارزش‌ها و رفتارهای مذهبی به نسل‌های دیگر را شکل دهد. از این رو رابطه مذهب و خانواده را می‌توان یک رابطه اثرگذاری و اثرپذیری در نظر گرفت.

اینکه افراد موضوعی مانند ازدواج به منزله مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر را، چگونه بر مبنای مذهب تفسیر می نمایند، تاثیر پذیری روابط زناشویی از مذهب را نشان می دهد (ماهونی، ۲۰۰۵).

سامانه های مذهبی متفاوت، احکام، مباحث و رویکرد به زندگی خانوادگی خاص خود را دارند. در اسلام آفرینش زن و مرد از یک خمیر مایه است و آیات نشان می دهد بین آن دو پیوندی الهی وجود دارد که در سایه ازدواج این همبستگی به صورت عهدی محکم در می آید (نساء، ۲۱) و آن دو مایه آرامش (روم، ۲۱) یکدیگر می شوند.

پژوهش های بسیاری رابطه بین دینداری زوجین و رضایت زناشویی را مورد بررسی قرار دادند. سولیوان (۲۰۰۱) نشان داده است که افرادی که در سطح بالاتری از مذهبی بودن قرار دارند نسبت به افراد دارای سطح مذهبی پایین تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی تر به نظر می رسند. هانلرو گنچوز (۲۰۰۵) در مطالعه ای که روی زوجین ترکیه ای انجام دادند پس از کنترل متغیرهایی مانند سطح تحصیلات و مدت زمانی که از زندگی زناشویی آنها می گذشت، به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن تاثیر عمده ای بر رضایت زناشویی دارد، اما مذهبی بودن زوجین نمی تواند حل مساله زناشویی را در زوجین افزایش دهد.

کال و هیتون (۱۹۹۷) با انجام مطالعه ای بر روی ۴۵۸۷ زن و شوهر به این نتیجه رسیدند که از میان ابعاد مختلف دینداری، حضور در کلیسا بیشترین رابطه را با ثبات زناشویی دارد و اختلاف بین زوجین در مورد حضور در کلیسا، خطر جدایی را افزایش می دهد. این مطالعه همچنین نشان داد زوجینی که به طور منظم با هم به کلیسا می روند، کمترین خطر را برای طلاق دارند. مارگارت، دادلی، فردریش، و کونینسکی (۱۹۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تجانس مذهبی با همسر، عبادت و حضور در کلیسا (متغیر های دینداری) مهمترین پیش بینی کننده رضایت زناشویی فرد می باشند. همچنین اورتینکال و ونستیوگن (۲۰۰۶) در مقایسه زوج هایی که فقط یک بار ازدواج کردند با زوج هایی که چندین بار ازدواج کردند به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن همبستگی مثبت با رضایت زناشویی دارد.

به علت اینکه پژوهش های فوق اکثراً در کشورهای دیگر و اکثراً کشورهای غربی انجام گرفته است و یا شامل شاخص های تک موردی (مثلاً حضور در کلیسا) درباره پایبندی به مذهب هستند، همچنین مطالعات انجام گرفته، در گروه های جمعیتی دارای تحصیلات بالا نبوده، از این رو انجام این قبیل پژوهش ها در جوامع مسلمان و در مورد نگرش جامع مذهبی و نیز در گروه نمونه با سطح تحصیلات بالا، ضروری به نظر می رسد. باتوجه به این امر، هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه رضایت مندی زناشویی با نگرش مذهبی در بین دانشجویان متاهل دانشگاه تهران می باشد.

روش

جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه تهران بوده است. از آن جایی که در پژوهش‌های از نوع همبستگی حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر برای بیان چگونگی رابطه ضرورت داد (دلاور، ۱۳۸۳) به جهت جلوگیری از کاهش تعداد افراد نمونه از این تعداد، نمونه‌ای متشکل از ۱۵۶ دانشجوی متاهل (۸۵ مرد و ۷۱ زن) از دانشگاه تهران و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردید. جهت انتخاب افراد نمونه، پس از هماهنگی با مدیریت خوابگاه‌ها و دستیابی به لیست افراد، برای هر یک از اعضای جامعه شماره‌ای تهیه شد سپس از میان شماره‌های موجود با استفاده از روش قرعه‌کشی اعضای گروه نمونه شناسایی گردید و با مراجعه به افراد یاد شده پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت. گویه‌های جمعیت شناختی پرسشنامه‌ها طوری طراحی شده بود که امکان شناسایی پاسخ‌دهنده وجود نداشت؛ ضمن آنکه در مورد محرمانه ماندن اطلاعات ارائه شده نیز به پاسخ‌دهنده اطمینان لازم داده شد. ابزارهای مورد استفاده عبارتند از:

- **مقیاس سازگاری زناشویی^۲ (DAS؛ اسپنیر، ۱۹۷۶):** این مقیاس یک ابزار ۳۲ ماده‌ای برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی می‌باشد. تحلیل عاملی نشان داده است که این مقیاس چهار بعد رضایت دو نفری^۳، همبستگی دو نفری^۴، توافق دو نفری^۵ و ابراز محبت^۶ را مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره کل مجموع تمام سوالات بین ۰ تا ۱۵۱ است که نمرات بالاتر نشان‌دهنده رابطه بهتر است. همسانی درونی کلی این آزمون با کاربرد روش آلفای کرانباخ ۰/۹۶ گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۷۹). این ابزار در موارد متعدد در پژوهش‌های داخلی مورد استفاده قرار گرفت. اسماعیلی (۱۳۷۴) ضریب پایایی آن را ۰/۹۲ و فتحی آشتیانی و احمدی (۱۳۸۳) ضریب پایایی آن را ۰/۹۴ گزارش نمودند. ضریب آلفای کرانباخ همسانی درونی کل مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۹۴ بدست آمد.

- **مقیاس دینداری دانشجویی (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۵):** این مقیاس یک ابزار ۱۱۳ ماده‌ای است که برای ارزیابی نگرش دانشجویان نسبت به مسایل اعتقادی تهیه شده است. این مقیاس بر مبنای مولفه‌های دینداری شامل ۴ خرده مقیاس شناخت دینی (داشتن آگاهی و دانش نسبت به اصول و فروع دین)، باور دینی (پذیرش و تصدیق قلبی اصول و فروع دین)، گرایش و عواطف دینی (علاقه و گرایش عاطفی نسبت به پروردگار یکتا، پیامبران و اولیای الهی) و التزام به وظایف دینی (رفتار کردن و پایبندی به اخلاق و احکام دینی) می‌باشد. آلفای کرانباخ برای کل این

مقیاس ۰/۹۵ بوده است. همسانی درونی این مقیاس در این مطالعه با کاربرد روش آلفای کراباخ، ۰/۹۵ بدست آمده است. روایی محتوایی مقیاس مورد تایید ۱۲ نفر از متخصصین صاحب نظر در حوزه های روان شناسی، روان سنجی و دینی که سابقه انجام طرح پژوهشی در این زمینه را داشتند قرار گرفت. روایی ملاکی ابزار نیز با روش همزمان و با استفاده از دو مقیاس جهت گیری مذهبی بهرامی (۱۳۸۰) و نیز با طرح سوال مستقیم در ارتباط با میزان مذهبی دانستن خود بر اساس ادراک خویشان، پدر، مادر، آشنایان، اقوام، همکلاسی ها، اساتید و ناآشنا مورد تایید قرار گرفت (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۵).

یافته ها

تحلیل های آماری نشان داد که بین نمره های کلی حاصل از اجرای مقیاس دینداری و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی داری ($r = 0/49$ ، $p < 0/01$) وجود دارد.

جدول ۱: نتایج ضرایب همبستگی رضایت زناشویی و خرده مقیاس های آن با دینداری و مولفه های آن

نمره دینداری کل	التزام عملی به وظایف دینی	گرایش و عواطف دینی	باور دینی	شناخت دینی	مولفه های دینداری
					مولفه رضایت زناشویی
۰/۴۵*	۰/۴۰*	۰/۴۹*	۰/۳۹*	۰/۵۲*	رضایت دو نفری
۰/۳۹*	۰/۲۶*	۰/۴۷*	۰/۴۰*	۰/۳۵*	همبستگی دو نفری
۰/۴۶*	۰/۳۵*	۰/۵۰*	۰/۳۷*	۰/۵۴*	توافق دو نفری
۰/۴۴*	۰/۴۴*	۰/۴۱*	۰/۲۳*	۰/۳۸*	ابراز محبت
۰/۴۹*	۰/۴۴*	۰/۵۵*	۰/۴۲*	۰/۵۲*	رضایت زناشویی کل

* $p < 0/01$

همانگونه که جدول ۱ نشان می دهد بررسی رابطه بین مولفه های مقیاس زناشویی با مولفه های دینداری نشان داد که از میان مولفه های رضایت زناشویی، دینداری بیشترین رابطه را با توافق دونفری ($r = 0/46$ ، $p < 0/01$)، نتایج همچنین نشان داد که از میان مولفه های دینداری، گرایش و عواطف دینی بیشترین رابطه را با رضایت زناشویی کلی را دارد ($r = 0/55$ ، $p < 0/01$)، نتایج ضرایب همبستگی خرده مقیاس های رضایت زناشویی با مولفه های دینداری نشان می دهد که بیشترین رابطه، بین شناخت دینی و توافق دونفری ($r = 0/54$ ، $p < 0/01$) و کمترین رابطه بین باور دینی و ابراز محبت ($r = 0/23$ ، $p < 0/01$) است.

در مرحله بعد به منظور بررسی دقیق‌تر چگونگی ارتباط و قدرت پیش بینی کنندگی مولفه های دینداری در رابطه با رضایت زناشویی از تحلیل رگرسیون چند متغیری گام به گام استفاده گردید. در گام نخست از میان مولفه های دینداری، گرایش و عواطف دینی وارد تحلیل شده است و توانست به تنهایی ۵۸ درصد واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی نماید. در گام بعد، متغیر باور دینی به مدل اضافه شد و ضریب تبیین را به ۶۴ درصد افزایش داد. در گام آخر متغیر التزام به وظایف دینی به مدل افزوده شد که ضریب تبیین نهایی را به مقدار ۶۶ درصد رساند. خرده مقیاس شناخت دینی به علت وجود کوواریانس و همپوشی بالا با متغیرهای گرایش و عواطف دینی ($r=0/90$) و باور دینی ($r=0/91$) وارد معادله نشد. خلاصه نتایج در جدول ۲ آمده است. لازم به ذکر است تمام ضرایب همبستگی بدست آمده در سطح $p < 0/01$ معنادار می باشند.

جدول ۲: تحلیل رگرسیون برای پیش بینی رضایت زناشویی از روی مولفه های دینداری

ضریب استاندارد رگرسیون (β)	سطح معنی داری	ضریب تبیین R^2	ضریب همبستگی (R)	آماره فشر	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منابع تغییر	شاخص‌های آماری
									مدل
۰/۵۶	۰/۰	۰/۵۸	۰/۷۶	۱۴۷/۳۲	۱۷۲/۶	۱	۲۵۴۲۷/۵۷	رگرسیون	گرایش و عواطف دینی
						۱۰۵	۱۸۱۲۳/۰۴	باقی مانده	
						۱۰۶	۴۳۵۵۰/۶۱	کل	
۰/۶۳	۰/۰	۰/۶۴	۰/۷۹	۹۱/۳۶	۱۵۱/۸۹	۲	۲۷۷۵۳/۹۵	رگرسیون	گرایش و عواطف دینی و باور دینی
						۱۰۴	۱۵۷۹۶/۶۶	باقی مانده	
						۱۰۶	۴۳۵۵۰/۶۱	کل	
۰/۵۳	۰/۰۶	۰/۶۶	۰/۸۱	۶۵/۹۰	۱۴۴/۸۲	۳	۲۸۶۳۳/۳۴	رگرسیون	گرایش و عواطف دینی و باور دینی و التزام به وظایف دینی
						۱۰۳	۱۴۹۱۷/۲۶	باقی مانده	
						۱۰۶	۴۳۵۵۰/۶۱	کل	
۰/۱۸									

در پایان نیز به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان رضامندی زناشویی و دینداری از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد که بین دانشجویان متأهل زن و مرد در

دو متغیر رضایت‌مندی زناشویی ($t_{(154)}=0/55, p < 0/05$) و دینداری ($t_{(154)}=0/1, p < 0/05$) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. خلاصه نتایج در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: آزمون t برای مقایسه میانگین‌های مردان و زنان در دو متغیر رضایت زناشویی و دینداری

شاخص‌های آماری	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
رضایت زناشویی	مرد	۸۱	۱۱۱/۴۴	۲/۱۱	۰/۵۵	۱۵۴	۰/۵۸۰
	زن	۷۵	۱۱۳/۲۴	۲/۴۷			
دینداری	مرد	۸۱	۴۸۰/۱۸	۶/۸۴	۰/۱	۱۵۴	۰/۹۲۰
	زن	۷۵	۴۸۱/۲۵	۸/۰۸			

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که بین میزان دینداری و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های مارگارت و همکاران (۱۹۹۰)، کال و هیتون (۱۹۹۷)، سولیوان (۲۰۰۱)، هانلر و گنچوز (۲۰۰۵) و اورتینگال و ونستیوگن (۲۰۰۶)، همسوئی دارد. کلیه این پژوهش‌ها نیز به وجود رابطه مثبت بین دینداری و رضایت زناشویی صحنه داشته و دینداری را بعنوان یکی از عوامل موثر بر احساس رضایت از زندگی زناشویی در نظر گرفته‌اند. مذهب راهنمایی‌هایی کلی در اختیار بشر قرار می‌دهد که اگر انسان‌ها بدان‌ها عمل نمایند منجر به استحکام پیوند زناشویی می‌گردد. این راهنمایی‌ها شامل قوانینی در مورد روابط جنسی، نقش‌های جنسیتی، از خودگذشتگی^۷ و حل تعارضات در روابط زناشویی می‌باشد (ماهونی، ۲۰۰۳). یکی از دلایلی که نشان می‌دهد مذهب می‌تواند دیدگاه فکری زوجین را تحت تاثیر قرار دهد این است که، احتمال اینکه افراد مذهبی‌تر ازدواج خود را دارای کیفیتی معنوی ببینند، بیشتر می‌باشد. مطالعه بر روی ۹۷ زوج، که نماینده تنوع مذهبی زوج‌های آمریکایی بودند نشان داد که آنها مفهوم «تقدس»^۸ را در مورد ازدواج خود به کار می‌برند. بدین معنی که غالباً چنین تصور می‌کردند که ازدواج آنها محتوایی معنوی دارد (ماهونی، ۲۰۰۵). بنابر این به نظر می‌رسد اگر زوجین به طور عمیق به معنوی بودن ازدواج خود اعتقاد داشته باشند، مشاجرات دائم می‌تواند ترس روانی از دست دادن رابطه با خداوند و احساس گناه را با خود به همراه داشته باشد، از این‌رو سعی در حفاظت از زندگی مشترک خود دارند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴).

یافته‌های دین پژوهشی نشان داد که از میان مؤلفه‌های دینداری، گرایش و عواطف دینی بیشترین رابطه را با رضایت زناشویی دارد. این یافته بدین معناست که مهم‌ترین عامل از عوامل دینداری در کسب رضایت زناشویی در بین زوجین، دارا بودن گرایش و عواطف دینی همسان و هماهنگ بین زوجین است که این توافق به سهم خود می‌تواند هماهنگی عاطفی را یکی از موارد مهم و اساسی در رضایت زناشویی زوجین است، بوجود آورد.

عامل دیگری که پس از گرایش عواطف دینی، توانایی پیش‌بینی رضایت زناشویی را دارد، باور دینی است. باور دینی مشترک و همسان بین زوجین که به باورهای دینی و وجود توافقات شناختی بین زوجین منجر شود، می‌تواند به رضایت زناشویی بیشتر منتهی گردد. التزام به وظایف دینی و انجام مشترک مناسک مذهبی گوناگون نظیر سوگواری‌های مذهبی، زیارت مقابر ائمه و امام‌زاده‌ها و در کشور ما نیز که اکثر خانواده‌ها دارای فرهنگ دینی هستند، وجود هر چه بیشتر مشترکات مذهبی، می‌تواند منجر به رضایت زناشویی گردد. لذا یافته‌های پژوهش حاضر هماهنگ با سیستم خانوادگی موجود در جامعه ایران است.

چندین مطالعه (روس، وستفیلد و انسلی، ۲۰۰۱، پترسونو، های‌وورث، ترنر و رسکین، ۲۰۰۰) نشان دادند که مورد توجه قرار دادن باورهای مذهبی در طی مراحل درمان می‌تواند در بهبود روابط زن و شوهر مفید باشد. بدین صورت که هرگاه، تعارض خانوادگی بر سر موضوعی خاص شکل می‌گیرد، مذهب می‌تواند از طریق مفاهیم معنوی و ارزش‌های مذهبی مشترک، اختلاف نظر بین افراد را تعدیل کند. تاکید دین بر مفاهیمی مانند تقدس ازدواج، می‌تواند مسیر حل تعارضات زناشویی را هموار سازد (ماهونی و همکاران، ۱۹۹۹). از این‌رو درمانگران می‌توانند نقش باورهای مذهبی و بعد متعالی رابطه زناشویی را طی فرایند حل اختلافات زناشویی مورد توجه قرار دهند.

از سوی دیگر با استفاده از روش‌های مداخله‌ای مذهبی می‌توان به حل تعارضات زناشویی کمک نمود. لطف آبادی (۱۳۸۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که ۹۰/۳ درصد از مردم تهران دارای هویت دینی بسیار نیرومندی هستند. این امر نشان‌دهنده نیرومندی باورهای دینی در میان مردم کشور ما می‌باشد. از این‌رو، درمان‌گران می‌توانند از چنین باور و معنویتی به عنوان یک شیوه درمانی در حل اختلافات زناشویی بهره‌گیرند. خدایاری فرد، غباری بناب، فقیهی و وحدت (۱۳۸۱) کاربرد روش درمانی عفو و بخشش^۹ با تاکید بر دیدگاه اسلامی را در خانواده درمانی (درمان تعارضات زناشویی) به کار برده و کارآمدی آن را نشان داده است.

آنچه از نتایج اکثر مطالعات بر می‌آید دینداری و وجود مفاهیم مشترک دینی بین زوجین به عنوان تسهیل‌کننده، ایجاد‌کننده تفاهم و حل تعارضات در روابط درون خانوادگی عمل می‌نماید.

لذا با توجه به فرهنگ دینی کشور در درجه اول سوق دادن خانواده های دارای ارزش مذهبی به سوی درمانگران آشنا به مفاهیم دینی و در درجه دوم تربیت روانشناسانی با رویکرد های دینی جهت ارائه خدمات به اینگونه افراد لازم می نماید.

پی نوشت ها

1. socialization
2. Dyadic Adjustment Scale
3. dyadic satisfaction
4. dyadic cohesion
5. dyadic consensus
6. affectional expression
7. self sacrifice
8. sanctification
9. Forgiveness

منابع

- افزایش آمار طلاق در کشور، (۱۳۸۳/۹/۲۴). روزنامه اطلاعات. صفحه، ۲.
- الهی قمشه ای، مهدی (۱۳۷۲). قرآن مجید با ترجمه و تفسیر فارسی و کشف الایات. تهران: مروی.
- اسماعیلی، بهمن (۱۳۷۴). بررسی میزان سازگاری زناشویی و علل آن در بین دانشجویان دانشگاه شهکرد. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تربیت معلم.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۹). مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- خدایاری فرد، محمد؛ غباری بناب، باقر؛ فقیهی، علینقی و وحدت، شادی (۱۳۸۱). روش درمانی عفو و گذشت با تاکید بر دیدگاه اسلامی: بررسی یک مطالعه موردی. مجله اندیشه و رفتار، سال هشتم، شماره ۱، ۳۹-۴۸.
- خدایاری فرد، محمد؛ فقیهی، علی نقی؛ غباری بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن و به پژوه، احمد (۱۳۸۵). آماده سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری در جامعه دانشجویان کشور. تهران: دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- فتحی آشتیانی، علی و احمدی، خدابخش (۱۳۸۳). بررسی ازدواج موفق و ناموفق در بین دانشجویان. مجله دانشور، رفتار، سال یازدهم. شماره ۷. ۱۶-۹.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۴). جستجوی مبانی نظری سنجش ویژگی های معنوی درمان جویان در تعامل با درمان گران. گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان سنجی مقیاس های دینی. دفتر طرح های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دلاور، علی (۱۳۸۳) روش تحقیق دز زوان شناسی و علوم تربیتی. تهران. نشر ویرایش. چاپ سیزدهم

- Blum, J. S., & Mehrabian, A. (1999). Personality and temperament correlates of marital satisfaction. *Journal of Personality*; 67, 93–125.
- Call, V. R. A., & Heaton, T. B. (1997). Religious influence on marital stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*; 36, 382–392.
- Ellis, A. (1989). *Rational – Emotive Couples Therapy*. New York Bergamon press.
- Greef, A. P. (2000). Characteristics of families that function well. *Journal of Family Issues*, 21, 948–962.
- Huñler, O. S. & Gençöz, T. I. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*; 27(1), 123-136.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Jewell, T., Swank, A. B., Scott, E., Emery, E., & Rye, M. (1999). Marriage and the spiritual realm: the role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*; 13, 321-338.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Swank, A. B., & Swank, N. (2003). Sanctification in family relationships. *Review of Religious Research*; 44, 220-236.
- Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent child relationship. *Journal of social issues*; 61(4), 689-706.
- Margaret, G. Dudley, and Frederic, A. & Konsinski, J. (1990). Religiosity and marital satisfaction: A research note. *Review of Religiosity Research*. 32(1); 78-86.
- Orathinkal, J. & Vansteewegen, A. (2006). Religiosity and Marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 28; 497-504.
- Roizblatt, A., Kaslow, F., Rivera, S., Fuchs, T., Conejero, C., & Zacharias, A. (1999). Long- lasting marriages in Chile. *Contemporary Family Therapy*; 21, 113–129.
- Rose, E. M., Westefeld, J. S. & Ansley, T. N. (2001). Spiritual issues in counseling: client's beliefs and preference. *Journal of Counseling Psychology*, 48, 67-71.
- Spanier, G.B. (1976). Measuring dyadic adjustment: new scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of marriage and the family*, 38, 15-28.
- Sullivan, T. (2001). Understanding the relationship between religiosity and marriage: an investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples. *Journal of Family Psychology*, 15, 610-628.
- Patterson, J., Hayworth, M., Turner, C., & Raskin, M. (2000). Spiritual issues in family therapy: A graduate-level course. *Journal of Marital and Family Therapy*, 26, 199-210.
- Vaijayanthimala, K. Kumari, K. & Panda, P (2004). Socio-Economic Heteronomy and Marital Satisfaction. *Journal of Human Ecology*, 15(1), 9-11.

Relationship between Religious attitude and Marital Satisfaction

Mohammad Khodayarifard, PhD[•]

Roholah Shahabi^{••}

Saeed Akbari Zardkhaneh^{•••}

Abstract

The increasing rate of divorce in our Iranian society, necessitate studying of effecting factors on marital adjustment and satisfaction. Religious attitude is one of these factors that influence marital relationships, decision-making, commitment and parenting styles. The purpose of current study was to investigate the relationship between religious attitude and marital adjustment in university of Tehran's married students. The sample group included 165 married students that were selected by using simple random sampling method. For collecting data, Dyadic Adjustment Scale (Spanier, 1976) and Religious Attitude Scale (Khodayarifard et al., 1384) were used. The finding indicated that there was a positive correlation between religious attitude and marital adjustment. Religious attitude showed the greatest relationship with Dyadic Satisfaction's subscale of adjustment. Base on this study, family therapists should consider the role of religious or spiritual couple's attitude as a vital factor in reveal and solving the marital conflict. Consistency and inconsistency of the results were discussed.

Keywords: religious attitude, marital Satisfaction, student

[•] Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran.

^{••} M.A. student, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran.

^{•••} M.A. in clinical psychology